

این فعال سیاسی می گوید اصلاح طلبان نیاز به یک خانه تکانی اساسی دارند. باید وسایل کهنه و زنگار گرفته را دم در یا سرکوجه بگذارند تا سمساری ببرد.

حال اصلاح طلبان خیلی خوب نیست؛



«محسن آرمین» فعال سیاسی اصلاح طلب در گفتگویی به بیان نظرات خود درباره تحولات مهم کشور پرداخته است. وی تشکیک در اهداف مطرح کنندگان شعار جوان گرایی و مساله حذف نیروهای باسابقه سیاسی را از جمله تحولات مهم فضای سیاسی کشور توصیف کرد و در مورد حضور اصلاح طلبان در انتخابات مجلس یازدهم، راهبردهای گذشته را دیگر برای حضور در این میدان کافی ندانست و بر حمایت از چهره‌هایی در انتخابات که خواسته‌ها و مطالبات اصلاح طلبانه داشته باشند، تاکید کرد.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از ایرنا، بخش‌هایی از این گفتگو را خواهید خواند:

* با این داوری موافقم که بدنه اجتماعی اصلاح طلبان طی دو سه سال اخیر ریزش داشته است. اما این که آیا این ریزش به خاطر تصمیم اشتباه اصلاح طلبان در انتخابات سال‌های ۹۲ و ۹۴ و یا ۹۶ بوده، محل تأمل است. تصور نمی‌کنم در این حقیقت بتوان تردید کرد که بخش اعظم منتقدان امروز، در حمایت از اصلاح طلبان در انتخابات‌های سال‌های ۹۲ و ۹۴ و ۹۶ شرکت کرده‌اند و اکنون که انتظارات و تصورات خود را برآورده نمی‌بینند در موضع و تصمیم اصلاح طلبان در قبال انتخابات‌های مذکور تردید می‌کنند. در واقع این تحلیل‌ها و قضاوت‌ها اگر هم درست باشند؛ تحلیل بر اساس نتایج است. وقتی اعتماد جامعه به کارآمدی نظام در حل مشکلات و امید به آینده بهتر کاهش می‌یابد طبیعتاً اعتماد و امید به همه نیروهایی که معتقد به اصلاحات در چارچوب نظام هستند، کاهش می‌یابد. به گمان من علت ریزش بدنه اجتماعی اصلاح طلبان را باید در این واقعیت جستجو کرد

* به نظر من برخی دوستان ما به عرصه سیاست نگاهی آرمانگرایانه و تنزه طلبانه دارند. دستکم یکی از عوامل و علل این نگاه آرمانگرایانه، بدبینی به عرصه سیاست و قدرت در فرهنگ ماست. البته دو نقش روشنفکری و کنشگری سیاسی مزاحم و نافی یکدیگر نیستند. روشنفکر می‌تواند و باید به دور از قدرت باشد تا بهتر و آزادانه‌تر بتواند آن را نقد و ارزیابی کند. کنشگر سیاسی هم باید در عرصه رقابت و قدرت سیاسی حضور فعال داشته باشد و از نقدهای روشنفکر استفاده کند.

* به نظر من انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ گام لازمی بود که در ادامه همین راه باید برداشته می‌شد. تصور کنید اگر در انتخابات سال ۹۶ اصلاح طلبان از دولت حمایت نمی‌کردند و بعد همین مشکلاتی که امروز شاهد آن هستیم در سیاست خارجی و توافقنامه برجام و در حوزه اقتصادی رخ می‌داد، همین منتقدان امروزی چه قضاوت و تحلیلی داشتند؟ آیا اصلاح طلبان را متهم نمی‌کردند که به خاطر تنزه طلبی، از حمایت دولت روحانی دست کشیدند و مجلس را به جریان تندرو واگذار کردند و موجب شکست برجام و وضعیت نابسامان اقتصادی کشور شدند؟

* به عملکرد اصلاح طلبان در بستن فهرست کاندیداها در انتخابات مجلس و شوراهای شهر، عملکرد فراکسیون امید و مدیریت آن در مجلس و ... نقدهای جدی وارد است. امید می‌رفت با نقدها و اعتراضاتی که به ترکیب شورای عالی اصلاحات و سازوکار بستن لیست امید در انتخابات پیشین وارد شد در ترکیب این شورا و سازوکار تصمیم‌گیری آن تجدید نظر جدی به عمل آید اما متأسفانه تغییرات انجام‌شده انتظارات را برآورده نکرده است. متأسفانه انحصارطلبی‌ها و خودمحوری‌ها و ... مهم‌ترین عامل نارسایی‌ها و مشکلات مذکور است. این نقدها و اشکالات یک بحث است، مسئله حضور جدی در عرصه رقابت سیاسی بحثی

دیگر.

* اگر اعتراضات و انتقادهای دستوری و سازمان‌یافته را که هدفشان از تأکید بر مشکلات اقتصادی زمین زدن دولت است، استثنا کنیم، اصلاح طلبان در بیان مشکلات اقتصادی جامعه نظیر تورم و گرانی و بیکاری و... و حتی ارائه راهکارها چه در مجلس و چه بیرون مجلس، کارنامه‌ای قابل دفاع‌تر از دیگر جریان‌های سیاسی دارند. مشکل اصلاح طلبان نداشتن یک گفتمان جدید و ناظر به اصلی‌ترین مشکلات کشور است که عدالت خواهی و فسادستیزی بخشی از آن است. مشکل اصلاح طلبان به گمان من این است که گفتمان آن‌ها به اندازه کافی منسجم، رادیکال، صریح و شفاف نیست. گفتمانی که پیش از این وجود داشت با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر نیاز به بازسازی دارد.

* عملکرد فراکسیون امید را باید با توجه به اهدافی که اصلاح طلبان در انتخابات مجلس تعقیب کردند سنجید. چنان که گفتم هدف اصلاح طلبان در انتخابات سال ۹۴ تسخیر کرسی‌های مجلس نبود بلکه با توجه به محدودیت‌هایی که عرض کردم جلوگیری از ورود اصولگرایان افراطی به مجلس و و تشکیل یک مجلس معتدل بود. بنابراین مقایسه مجلس کنونی با مجلس ششم و انتظار عملکرد اصلاح طلبان مجلس ششم از فراکسیون امید به نظر من انتظاری واقع‌بینانه نیست.

* عملکرد فراکسیون امید باید با توجه به دو هدفی که اصلاح طلبان از شرکت در انتخابات مجلس تعقیب می‌کردند، ارزیابی شود. مقصودم توجه ضعف‌ها و کم‌کاری‌های فراکسیون امید نیست بلکه مقصودم ارزیابی منصفانه از عملکرد این فراکسیون بر اساس اهداف انتخاباتی اصلاح طلبان است. اگر با این معیار به بررسی عملکرد فراکسیون امید بپردازیم باید بگویم متأسفانه این فراکسیون در مجلس ضعیف‌تر از انتظاراتی که از آن می‌رفت ظاهر شد.

* من عملکرد اصلاح طلبان در شورای شهر را موفق‌تر از عملکرد فراکسیون امید در مجلس ارزیابی می‌کنم. شرایط فعالیت شورای شهر تهران به مراتب سخت‌تر و دشوارتر از شرایط فعالیت فراکسیون امید در مجلس بود. شورای شهر، یک شهرداری ورشکسته با خزانه کاملاً خالی و بدهی چند ده هزار میلیارد تومانی را تحویل گرفت و با این وضع قرار بود کلان‌شهری مانند تهران را اداره کند. آن هم با تمام کارشکنی‌ها و محدودیت‌آفرینی‌های مخالفان اصلاح طلبان که با توجه به اهرم‌هایی که دارند به راحتی می‌توانند هر فعالیتی را به ناکامی بکشانند.

* فراموش نکنیم تغییر ۴ شهردار ناشی از انتخاب غلط شورای شهر نبود. بلکه نتیجه فشارهای بیرون از شورا بود. به رغم این، برای اولین بار شورای شهر تهران در فضایی دموکراتیک کاندیداهای شهرداری را مشخص کرد و بر اساس برنامه و شاخص‌های کارشناسی‌شده و نه وابستگی‌های حزبی و جناحی شهردار تهران را انتخاب کرد.

* این روزها حال اصلاح طلبان خیلی خوب نیست. نکاتی که شما ذکر کردید به نظر من معلول و نتیجه این حال ناخوش است. اصلاح طلبان نیاز به یک گفتمان جدید و یک خانه تکانی اساسی دارند. پنجره‌ها را باید بازکنند تا هوای تازه وارد شود. وسایل کهنه و زنگار گرفته را باید دم در یا سرکوچه بگذارند تا سمساری ببرد.

* اصلاح طلبان در دهه هفتاد و هشتاد خود در چارچوب‌های متعارفی که از نظر آنان ناکارآمد، فساد آلود و نیازمند تحول بود، بازی نمی‌کردند. در پی روش‌هایی نظیر لابی‌های پشت پرده یا باندهای قدرت نبودند. به نیروی اجتماعی حامی خود متکی بودند و به همین سبب توانستند حتی در ساخت قدرت تأثیر جدی بگذارند. رقبای اصلاح طلبان به تدریج ناگزیر شدند مانند آن‌ها حرف بزنند، مانند آن‌ها شعار بدهند و مانند آن‌ها رفتار کنند. باید اعتراف کرد که به سبب دشوار بودن اصلاحات در ایران و در نتیجه طولانی بودن مسیر آن، که با ناکامی‌هایی نیز همراه بوده، بخش‌های از اصلاح طلبان به حضور در قدرت عادت کرده‌اند. این گونه تصور می‌کنند که نفس حضور در مجلس و داشتن مسئولیت اجرایی هدف است. لذا برخی از آن‌ها برای بقا به زد و بندهای پنهان یا باندها و لابی‌های قدرت روی آورده‌اند. برخی به مسائل مالی آلوده شده‌اند. اصلاح طلبان سالم و واقعی باید حساب خود را از این بخش‌ها و افراد جدا کنند.

* (درباره شکل‌گیری جریان سوم): نام مهم نیست. قرار نیست مردم را فریب دهیم و به سبب عملکرد انتقادآمیز قبلی با نام و چهره جدیدی به میدان بیاییم. این شیوه‌ها برآزنده‌جریانی نیست که شعار و مسیر حرکتش تحزب و دموکراسی است. شما در جوامع توسعه‌یافته اصلاً نمی‌بینید حزب و جریانی سیاسی به علت ناکامی در یک دوره نام و تابلوی خود را عوض کند و در ویتترین خود چهره‌هایی ناشناخته و فاقد هرگونه سابقه‌ای را به مردم ارائه دهد. آن‌ها اگر در مقطعی با عدم اقبال عمومی مواجه شوند می‌کوشند با تجدیدنظر در مواضع و عملکرد گذشته و رفع ضعف‌ها، پایگاه اجتماعی خود را بازسازی کنند. از قضا این شیوه جریان رقیب اصلاح طلب بوده که به جای تجدیدنظر در روش‌های گذشته و پذیرفتن و نقد صادقانه خطاهای، هر بار در آستانه انتخابات با نام و تابلوی جدید وارد می‌شود. یک بار با تابلوی آبادگران، یک بار با تابلوی جمنا، یک بار با تابلوی نو اصول‌گرایان و... وارد صحنه می‌شوند و به رغم عملکرد و سابقه مالی غیرقابل دفاع یا شعارهای عوام‌فریبانه در دفاع از ۹۶ درصد محروم و مبارزه با ۴ درصد مرفه به میدان می‌آیند. این روش‌ها عوام‌فریبی و ریاکاری است.

* (درباره پوست انداختن و جوانگرایی در اصلاحات): با این عناوین مشکلی ندارم اما به مناسبت پرسش شما می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم که شاید با انتقاد دوستان جوانم مواجه شود، اما به عنوان کسی که از سال ۸۳ از مجلس استعفا داده و تاکنون هیچ پستی نداشته و نخواهد داشت، ذکر این نکته حمل بر منافع شخصی نخواهد شد. متأسفانه هرگز نتوانستم با شعار جوانگرایی که چند سالی است مطرح شده، کنار بیایم. نه از این حیث که با جوانگرایی مخالفم بر عکس معتقدم شرط حیات و پویایی یک جریان دمیدن خون جدید در رگ‌های آن است. بلکه به این دلیل که به انگیزه‌های طرح این شعار مشکوکم.

* توجه داشته باشید شعار جوانگرایی اولین بار توسط جریان اصول‌گرای افراطی و جبهه پایداری در برابر بخش سنتی این

جریان که مشی معتدلی داشت مطرح شد. دعوی آن‌ها دعوی قدرت بود. افراطیون پس از دو دهه فعالیت زیر پرچم محافظه کاران سنتی، با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد حضور مستقل در عرصه سیاسی را تجربه کردند. آنان که این بار از حمایت کانون‌های قدرت برخوردار بودند پس از کسب این تجربه اکنون خواهان تصاحب همه قدرت بودند. بنابراین خیلی خیلی علنی و محترمانه از چهره‌های اصول‌گرای سنتی می‌خواستند اعلام بازنشستگی کنند و کنار بروند. اما در میان اصلاح طلبان چگونه؟ برخی از دوستان ما در مجلس به گمان من فریب این شعار را خوردند و طرح جوانگرایی در کادر مدیریت کشور و بازنشستگی مدیران مسن را ارائه دادند که با استقبال فراکسیون‌های دیگر مواجه شد. نتیجه کار چه شد؟ مدیران اصلاحات موثر بر اساس این قانون از بدنه مدیریت اجرایی دولت حذف شدند. اما مدیران مسن اصول‌گرا با اجازه‌های خاص مجدد به پست‌های قبلی خود بازگشتند.

* برخی دوستان ما در احزاب اصلاح طلب با شعار جوانگرایی علیه افراد با تجربه اصلاحات موضع گرفتند و اختلاف و انشعابی در درون اصلاح طلبان پدید آمد، کسی هم نرسید در شرایطی که اصلاح طلبان از قدرت حذف شده‌اند به طوری که در انتخابات مجلس و دولت ناگزیرند از کاندیداهای غیراصلاح طلب حمایت کنند، چه موقع طرح این شعار است؟ به نظر من این شعار جز ایجاد اختلاف و بدبینی در جبهه اصلاحات نتیجه دیگری نداشت.

* (درباره اختلافات بخش‌های مختلف اصولگرا چون جبهه پایداری مصباح و آقا تهرانی، نواصولگرایی قالیباف، جریان احمدی نژاد، جبهه رفاه پیشرفت و عدالت شهاب الدین صدر از بدنه سنتی اصولگرایی چون شورای ائتلاف و جمنا): وضعیت متشتت کنونی جبهه اصول‌گرایان نتیجه روندی است که از دوره دولت احمدی نژاد آغاز شد. این تنها اصلاح طلبان نبودند که باید از عرصه قدرت کنار گذاشته می‌شدند، بلکه چنان که گفتم جریان اصول‌گرای سنتی نیز باید به حاشیه رانده می‌شد. در پی این تحول اولین اختلافات داخلی اصول‌گرایان میان دو بخش افراطی و معتدل این جریان رخ داد.

* بخش افراطی اصول‌گرایان به صورت جریان جدیدی تحت عنوان جریان پاک‌دست و عدالت‌خواه و فسادستیز در حال سازماندهی است و برای این منظور از تعدادی جوان دانشجو با شعار افشاگری کانون‌های فساد استفاده می‌کند.

* چهره‌های این بخش که در حال حاضر ستاره‌های همیشه حاضر در برنامه‌های شبکه‌های مختلف صدا و سیما هستند آن قدر آزادی عمل دارند که در متهم کردن هر مسؤل و امام جمعه و فقیه و مرجعی ظاهراً خط قرمزی ندارند. این تحولات همگی از طرحی گسترده برای روی کار آمدن یک دولت جوان از جنس اصول‌گرایی رادیکال خبر می‌دهد. دولت جدیدی که به تعبیر یکی از روزنامه‌های اصول‌گرای وابسته به نهادهای امنیتی، آمریکایی‌ها ترجیح می‌دهند صبر کنند روی کار بیاید و به جای دولت کنونی با آن مذاکره کنند.

* در قبال انتخابات آینده مجلس به طور خاص ملاحظاتی وجود دارد که اصلاح طلبان نمی‌توانند به آن بی‌تفاوت باشند. با توجه به تحولات اجتماعی و سیاسی که در فاصله انتخابات گذشته تا این انتخابات رخ داده است، اصلاح طلبان دیگر نمی‌توانند با راهبرد انتخاباتی گذشته وارد انتخابات شوند. راهبرد شرکت در انتخابات با هدف جلوگیری از ورود نیروهای افراطی به مجلس یعنی راهبرد انتخاب میان بد و بدتر اگر در چهار سال پیش راهبرد به‌هنگام و کارآمدی بود، با توجه به تحولات سال‌های اخیر به نظر می‌رسد کارآمدی گذشته را نداشته باشد و نتواند جامعه را به حضور در پای صندوق‌های رأی ترغیب کند. اصلاح طلبان در این انتخابات باید با کاندیداهای اختصاصی خود شرکت کنند. کاندیداهایی که اگر هم جزو شخصیت‌های برجسته و شناخته شده اصلاحات نیستند صلاحیت نمایندگی خواسته‌ها و مطالبات اصلاح طلبانه را نداشته باشند. اصلاح طلبان پس از یک دوره هشت ساله هدف تهاجم همه جانبه بودند، به میدان آمدند. هدف آن تهاجمات همه‌جانبه حذف کامل جریان اصلاح طلبی از عرصه سیاست و جامعه بود. اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ در حالی وارد عرصه رقابت شدند که از تربیون‌های رسمی؛ پایان حیات جنبش اصلاحی و اصلاح طلبان اعلام می‌شد.

* تصمیم اصلاح طلبان به حضور در سه انتخابات گذشته تصمیمی به‌هنگام و از نظر سیاسی درست بوده است. آن دو انتخابات فرصتی بود تا اصلاح طلبان پس از آن تهاجمات گسترده و به رغم تمام محدودیت‌ها و نا‌عادلانه بودن عرصه رقابت انتخاباتی با دو هدف وارد عرصه رقابت شوند: اول تثبیت حیات سیاسی و اثبات پشتوانه اجتماعی آن هم چنان مؤثر و تعیین‌کننده که با یک شعار «تکرار می‌کنم» پروژه رقیب را برهم بزند و دوم روی کار آمدن دولتی معتدل و ایجاد مجلسی معتدل که جریان راست افراطی در آن نقش تعیین‌کننده نداشته باشد، آن اهداف تأمین شد و با حضور اصلاح طلبان در انتخابات ۹۲ دولتی معتدل روی کار آمد و فضای سیاسی کشور گشایش بیشتری پیدا کرد.

* احزاب و تشکل‌های سیاسی و مدنی و دانشجویی منتقد آزادی عمل بیشتری پیدا کردند، برخی پس از یک دوره محرومیت فعالیت خود را آغاز کردند، فضای فرهنگی بازتر شد و در عرصه سیاست خارجی توافقنامه برجام به امضا رسید و امیدها به آینده‌ای روشن بیشتر شد و با حضور در انتخابات ۹۴ مجلسی شکل گرفت که در آن افراطیون اقلیت بودند و اکثریت آن را اصول‌گرایان معتدل، مستقلین و معدودی اصلاح طلب تشکیل می‌دادند.

برچسب‌ها: [اصلاحات](#) [1]

[اصلاح طلبان](#) [2]

[انتخابات](#) [3]

[اعتراض](#) [4]

